

ما در زندگی برای هر کاری که انجام می‌دهیم وسیله لازم داریم. برای تعمیر موتور اتومبیل به وسایل یا ابزار کار احتیاج داریم. برای تعمیر خانه وسایل دیگری لازم است. برای بازی تنیس وسایل مخصوصی مورد نیاز می‌باشد. برای کوهنوردی وسایل دیگری لازم داریم. وقتی می‌خواهیم به مسافرت برویم تمام وسائلی را که در راه لازم داریم با خود می‌بریم. به همین طریق وقتی می‌خواهیم در سفر زندگی خود، اراده خدا را انجام دهیم باید برای آن مجهز شویم. باید وسایل لازم را همراه داشته باشیم.

### سازمان تدارکاتی الهی

پولس رسول وسیله‌ای را که ما به آن احتیاج داریم روشن می‌سازد: «تمامی کتب از الهام خداست و به جهت تعلیم و تنبیه و اصلاح و تربیت در عدالت مفید است تا مرد خدا کامل و به جهت هر عمل نیکو آراسته بشود» (دوم تیموتاوس ۱۶:۳ و ۱۷). مقصود از «هر عمل نیکو» همانا اراده خدا برای زندگی ما است (این موضوع را قبلاً در بحث درباره افسسیان ۱۰:۲ روشن ساختیم). چه چیزی ما را برای انجام این اعمال نیکو مجهز می‌سازد؟ جواب این است: «تمامی کتب».

کتاب مقدس هر کاری را که لازم باشد انجام می‌دهد که ما بتوانیم طبق اراده خدا زندگی کنیم. کتاب مقدس امور صحیح را تعلیم می‌دهد. ما را تنبیه می‌کند یعنی اشتباهات ما را نشان می‌دهد. ما را اصلاح می‌نماید یعنی از راههای غلطی که رفته‌ایم به راه صحیح برمی‌گرداند. ما را تربیت می‌کند یعنی ما را برای زندگی در عدالت بار می‌آورد. کتاب مقدس ما را بخوبی مجهز می‌سازد و بطور کامل آماده می‌گرداند تا اراده خدا را انجام دهیم.

مزمور بسیار معروفی که در مورد کلام خدا وجود دارد، این حقیقت را تأیید می‌نماید: «کلام تو برای پایهای من چراغ و برای راههای من نور است» (مزمور ۱۱۹:۱۰۵). قبلاً اشاره کردیم که چراغ چگونه جلوی پای ما را قدم بقدم روشن می‌سازد. مقصود از چراغ همان کلام خداست که در پیدا کردن اراده خدا اهمیت زیادی دارد. ما بدون کلام خدا نمی‌توانیم اراده الهی را درک نمائیم. امروزه خدا با صدایی که با گوش جسمانی شنیده شود سخن نمی‌گوید. او در کلام خود آنچه را که برای ما لازم می‌باشد فرموده است. اگر

## قسمت سوم

# تدارك اولیة الهی

## فصل هشتم

### مجهز شدن برای مسافرت

بحث درباره اراده خدا طبیعتاً ما را به کلام خدا رسانیده است که وسیله زنده و نیرومندی می‌باشد که خدا برای تبدیل زندگی ما و آماده ساختن ما برای اجرای نقشه الهی بکار می‌برد. در مورد هدایت الهی هرچه درباره اهمیت کلام خدا تأکید کنیم باز کم است. کلام خدا مهمترین راهنما در تصمیمات در جهت اراده خدا و اصولی‌ترین وسیله برای پیروی از نقشه اوست.

کلام خدا مهمترین وسیله برای اجرای اراده خداست. نویسنده رساله عبرانیان چنین می‌گوید «پس خدای سلامتی... شما را در هر عمل نیکو کامل گرداناد تا اراده او را بجا آورید و آنچه منظور نظر او باشد در شما بعمل آورد به وساطت عیسی مسیح» (عبرانیان ۱۳:۲۰ و ۲۱). کلمه‌ای که در این آیات «کامل گرداناد» ترجمه شده در اصل به معنی «مجهز سازد» می‌باشد. یعنی خدا می‌خواهد ما را مجهز سازد و وسیله‌ای در اختیار ما بگذارد که بتوانیم اراده او را انجام دهیم. اکنون باید درباره این تجهیزات یا وسایل بحث کنیم.

مایلم صدای او را بشنویم و اراده او را بفهمیم باید به کلام او یعنی به کتاب مقدس مراجعه کنیم.

وقتی يك ریاضی‌دان می‌خواهد مسئله‌ای را حل کند و مجهول را بیابد، برای این منظور از حقایق معلوم استفاده می‌نماید. اگر  $x$  مجهول باشد ولی او بداند که  $3x$  مساوی است با شش، می‌تواند بفهمد که  $x$  مساوی است با دو. حقایق معلوم کمک می‌کنند که به مجهول برسیم. اگر بخواهیم بفهمیم که خدا از ما چه انتظاری دارد، باید تمام اطلاعات قطعی و معلومات صحیح را در دست داشته باشیم. کلام خدا تنها مرجعی است که حقیقت مطلق را در خود دارد. پس ما باید فکر خود را با کلام خدا پر کنیم. نویسنده مزامیر چنین می‌گوید «کشف کلام تو نور می‌بخشد و ساده‌دلان را فهیم می‌گرداند» (مزمو ۱۱۹:۱۳۰). «ساده‌دلان» کسانی هستند که کاملاً روشن نشده‌اند و احتیاج به هدایت روحانی دارند تا از گمراه شدن آنها جلوگیری شود. بدیهی است که همه ما در چنین وضعی هستیم. کلام خدا راهنمایی لازم را برای ما آماده می‌سازد.

هدایت الهی همیشه بر طبق کلام او بعمل می‌آید. کلام خدا را هرچه بهتر بدانیم، بهتر می‌توانیم تصمیمات صحیحی بر اساس کلام خدا اتخاذ نمائیم. بدیهی است که کلام خدا به ما نمی‌گوید که در هر موقعیت بخصوص چه کاری انجام دهیم. مثلاً نمی‌گوید که با چه شخصی ازدواج نمائیم یا چه شغلی را انتخاب کنیم یا اینکه امسال تعطیلات تابستان را چگونه بگذرانیم. ولی اطلاعات زیادی به ما می‌دهد که با توجه به آنها می‌توانیم در هر موردی تصمیم صحیح اتخاذ نمائیم.

وقتی خواهیم توانست هدایت الهی را به بهترین نحو درک کنیم، که قلب ما با کلام خدا هماهنگی داشته و فکر ما با کلام خدا پر شده باشد. بدین‌طریق هرچه بیشتر کلام خدا را یاد بگیریم، بیشتر مثل خدا فکر خواهیم کرد و به مسائل از نظر الهی نگاه خواهیم کرد. رفتار ما، عقاید ما، هدفهای ما، آرزوهای ما و معیارهای ما به خدا شبیه‌تر خواهد شد. وقتی با تصمیم مهمی روبرو شویم، آن را با فکر مسیح بررسی خواهیم کرد نه با افکار جسمانی (اول قرنیتان ۲: ۱۵ و ۱۶). در بسیاری از موارد خودبخود متوجه خواهیم شد که خدا از ما چه انتظاری دارد و انجام اراده خدا برای ما بسیار

طبیعی و عادی خواهد گردید.

کلام خدا یگانه کلید ضروری در مورد هدایت الهی است. به حقایقی که قبلاً ذکر کردیم توجه فرمائید: گفتیم که کلام خدا ما را مطمئن می‌سازد که خدا برای تمام جزئیات زندگی ما نقشه دارد و می‌خواهد آن را قدم بقدم بر ما ظاهر سازد. گفتیم که بوسیله کلام او می‌توانیم او را بشناسیم و به او اعتماد کنیم. متوجه شدیم که بوسیله کلام خدا فکر ما تازه می‌شود و زندگی ما تبدیل می‌گردد و بدین‌طریق می‌توانیم اراده او را تشخیص دهیم و عملی سازیم. اکنون این حقیقت را یاد می‌گیریم که هدایت و راهنمایی در خود کلام یعنی در کتاب مقدس وجود دارد. یکی از علماء مسیحی این حقیقت را بخوبی خلاصه می‌کند: «هیچ هدایتی نمی‌تواند مخالف کلام خدا باشد. بندرت ممکن است هدایتی خارج از کلام خدا وجود داشته باشد. هدایت الهی یا بوسیله کتاب مقدس و یا با هماهنگی کامل با کلام ثبت‌شده خدا حاصل می‌گردد. هیچ چیز دیگری نمی‌تواند هدایت الهی باشد.»

### دستورات عملی

ولی این سؤال پیش می‌آید که خدا چگونه توسط کلام (کتاب مقدس) هدایت می‌فرماید. وقتی ابزار جدیدی خریداری می‌کنیم، باید به دستورات لازم در مورد طرز استفاده از آن توجه نماییم. در مورد طرز استفاده از کلام برای درک اراده خدا هم حتماً دستوراتی لازم است.

خدا برای اینکه اراده خود را از طریق کتاب مقدس مکشوف فرماید از چهار روش اصلی استفاده می‌کند. اولاً آیاتی که بطور صریح و روشن اراده او را معلوم می‌سازند و در آنها جمله «این اراده خداست» یا شبیه آن مذکور می‌باشد. ثانیاً دستورات یا احکام الهی بصورت امر و نهی که از آنها می‌توانیم بفهمیم خدا از ما چه انتظاری دارد. ثالثاً اصول کلی که به تصمیمی که می‌خواهیم اتخاذ نمائیم مربوط می‌شوند. رابعاً حقایقی که در موقع مطالعه کلام خدا بر فکر ما تأثیر عمیق می‌نمایند.

هر يك از این چهار روش را به تفصیل مطالعه خواهیم کرد ولی اول باید بعضی از اصولی را که برای راهنمایی ما لازم است ذکر نمائیم. اولین نکته اینست که در مورد کتاب مقدس يك طرز فکر غلط وجود دارد و يك طرز

فکر صحیح. طرز فکر غلط اینستکه به آن جنبه فالگیری بدهیم. بعضی از مسیحیان از کتاب مقدس بعنوان وسیله فالگیری و طالع بینی یا رَمَل و اصطرباب استفاده می نمایند. وقتی برای آنها مسئله ای پیش می آید و جوابی برای آن نمی یابند، در نومیادی کامل چشمهای خود را می بندند و بدون توجه به اطلاعاتی که از کتاب مقدس دارند آن را بطور تصادفی باز می کنند و از آن صفحه آیه ای را در نظر می گیرند و آن را هدایت الهی می شمارند. یا ممکن است آیاتی از کتاب مقدس را نوشته و در جعبه ای بیاندازند و مثل فالگیرها یک آیه را بردارند و فکر کنند هدایت الهی و جواب سؤال آنها می باشد.

این روشها باعث نومیادی عده زیادی از مسیحیان شده است. بعضی از جوابی که بدین طریق دریافت کرده اند ناراحت شده اند و ایمان آنها متزلزل گشته است. هرچند قبل از اینکه کتاب مقدس تکمیل گردد خدا گاهی عده ای را بوسیله انداختن قرعه هدایت کرده است، ولی هیچ دلیلی وجود ندارد که امروزه هم باید از این روشها استفاده کنیم.

من انکار نمی کنم که خدا گاهی این آیات تصادفی را برای تسلی و تشویق و هدایت مورد استفاده قرار می دهد و برای احتیاجاتی که داریم از آنها الهام می گیریم. در زندگی خود من هم گاهی در موارد حساس این آیات تصادفی باعث راهنمایی من شده اند. ولی باید بدانیم که خدا کتاب مقدس را به ما نداده است که فقط در مواقع اضطراری از آن استفاده کنیم. هدف خدا از دادن کتاب مقدس اینستکه اراده خود را مکشوف سازد و زندگی ما را عوض کند. یاد گرفتن و عوض شدن احتیاج به زمان دارد.

وقتی شخصی از دوست صمیمی خود نامه ای دریافت می دارد هیچوقت با عجله چند کلمه ای از آن را نمی خواند و با این چند کلمه درباره تمام نامه قضاوت نمی کند. برعکس، به تمام کلمات و جمله ها و مقصود نویسنده توجه می کند. در مورد کتاب مقدس هم همین طور است. ما باید با دقت کامل بخوانیم و به مقصود اصلی خدا و نقشه کامل او و به مکاشفه ای که از خود به عمل آورده است پی ببریم.

علاوه بر هشداری که در مورد استفاده تصادفی از کتاب مقدس داریم، چند دستور مثبت هم وجود دارد که برای درک اراده خدا از روی کتاب مقدس بسیار مفید است. نباید تصور کنیم که کلام خدا دارای مفهومی بسیار مبهم و

عمیق و رمزی است. خدا اراده خود را بطور ساده و روشن مکشوف فرموده است و نمی خواهد مبهم باشد. حتی وقتی در کتاب مقدس از کنایه و استعاره استفاده می شود مقصود از آنها بیان حقایق روشن است. غالب کلماتی که نویسندگان کتاب مقدس بکار برده اند معمولاً دارای مفهوم عادی و معمولی است.

دومین نکته ای که می خواهیم بعنوان راهنمایی مثبت ذکر کنیم اینستکه برای درک کلام باید از قواعد معمولی دستور زبان استفاده کنیم. سعی نکنید عقاید خودتان و یا عقاید شخص دیگری را بر کلام خدا تحمیل نمایید. توجه نمایید که کلام خدا بطور ساده و بر اساس قواعد دستور زبان چه می گوید.

سومین نکته بعنوان راهنمایی در مورد مطالعه کلام خدا اینستکه باید مفهوم آیات را با توجه به متن موضوع درک نمائیم. اگر چنین بنظر می رسد که جمله ای دارای دو مفهوم است، آن مفهومی را که با متن و مفهوم کلی کتاب مورد نظر مطابقت بیشتری دارد انتخاب نمائید. توجه داشته باشید که شخص می تواند با استفاده از آیات خارج از متن و پراکنده کتاب مقدس برای صحیح جلوه دادن تمام کارهای خود دلائلی بترشد ولی این هدایت الهی نیست.

چهارمین راهنمایی اینستکه با زمینه فرهنگی و تاریخی خوانندگان اولیه کتاب مقدس آشنا شوید و سعی کنید همان چیزی را از کلام بفهمید که آنها می فهمیدند. توجه به اختلافات موجود در رسوم و عادات به ما کمک خواهد کرد که اراده خدا را در زمان حال بهتر بفهمیم. بهتر است در این مورد از قاموسهای معتبر کتاب مقدس و دائرةالمعارف کتاب مقدس و کتابهای تفسیر استفاده نماییم.

پنجمین و آخرین راهنمایی اینستکه توجه داشته باشیم که مخاطبین چه کسانی هستند. هرچند تمام قسمتهای کتاب مقدس مفید است ولی همه قسمتهای آن به این منظور نوشته نشده است که سرمشق زندگی ما در این دوره باشد. مثلاً خدا دستور فرمود که شخصی که در روز شنبه هیزم جمع می کرد سنگسار شود (اعداد ۱۵: ۳۲-۳۶). بدیهی است که امروزه این کار برای ما اراده خدا نیست. هرچند تمام قسمتهای کتاب مقدس مفید است و اصول اصلی خداپرستی در آن یافت می شود، راهنمایی و هدایت مخصوص

خدا برای ما عمدتاً در رسالات عهد جدید ثبت شده است.

## شروع کار

اگر مایلیم اراده خدا را بفهمیم و اگر قبول داریم که کتاب مقدس عالیترین منبع هدایت الهی است، پس باید کار خود را در مورد مجهز شدن برای مسافرت زندگی شروع کنیم. مسیح فرمود «کتب را تفتیش کنید» (یوحنا ۵: ۳۹). از اهالی بیریه سرمشق بگیرید که «هر روز کتب را تفتیش می نمودند» (اعمال ۱۷: ۱۱). از هر فرصتی برای افزایش اطلاعات از کلام خدا استفاده کنید. از جلسات کلیسایی که در آنها کلام خدا موعظه می شود غیبت نکنید (عبرانیان ۱۰: ۲۵). دفتر یادداشت و قلم همراه خود داشته باشید و هرچه را که خدا در موقع موعظه به شما می گوید یادداشت کنید از جمله اینکه چه تغییراتی باید در شما بوجود آید و چه نوع زندگی باید داشته باشید. در یک کلاس کتاب مقدس که دارای معلم مطلع و روحانی باشد شرکت کنید. به نوارهای واعظین معروف کتاب مقدس گوش بدهید.

هر روز مطالعه خصوصی کتاب مقدس داشته باشید. با آرامی و با تفکر بخوانید و دفتر یادداشت هم همراه داشته باشید. درباره اطلاعاتی که در مورد خداوندماعیسی مسیح وجود دارد دقت نمائید - او چگونه بود، افکار و احساسات او چگونه بود و هدفها و اولویتهای او چه بود؟ در زندگی چه معیارهایی داشت؟ اینها را یادداشت نمائید. از خود سؤال کنید که این آیات چگونه به زندگی شما مربوط می گردد. خدا می خواهد که این موضوعات چگونه در زندگی شما عملی شود؟ این نکته ها را هم یادداشت کنید. بدینطریق گنجی از حقایق الهی در اختیار خواهید داشت که توسط آن می توانید در مورد تصمیمات خود از نقطه نظر الهی قضاوت کنید.

از مرخصی سالانه خود برای شرکت در کنفرانسهای مسیحی استفاده کنید و بدینطریق هم می توانید استراحت نمائید و هم بر اطلاعات خود در مورد کلام خدا بیفزایید. می توانید از طریق مکاتبه دروس مفیدی از کتاب مقدس فرا بگیرید. صرفنظر از اینکه چه شغلی می خواهید داشته باشید، برای شما بسیار مفید خواهد بود که لااقل یک سال در مدرسه کتاب مقدس درس بخوانید و پایه خوبی از کلام خدا داشته باشید. اطلاع کافی از کتاب مقدس،

یک روزه بدست نمی آید بلکه احتیاج به زمان و نظم و ترتیب دارد. ولی وقتی هر روز با قلبی آماده به کلام خدا نزدیک شوید و در جستجوی اراده الهی باشید، خدا شما را راهنمایی خواهد فرمود.

یکی از روحانیون مسیحی نقل می کند که خدا چگونه با استفاده از کتاب مقدس او را از کار تجارت به خدمت روحانی رهبری فرمود. او اول تمام دلائلی را که برای ماندن او در کار تجارت وجود داشت یادداشت نمود. سپس تمام دلائلی را که برای ورود او به خدمت روحانی وجود داشت نوشت. هر روز صبح که بوسیله دعا با خدا ملاقات می کرد این یادداشت را هم همراه داشت. بتدریج که هر روز کلام را مطالعه می کرد خدا به او آیاتی عطا می فرمود که دلائل او را جواب می داد. بیش از یک سال طول کشید ولی خدا تمام دلائل ماندن او در کار تجارت را رد کرد و او را برای قبول خدمت خود آماده ساخت. بدینطریق وی نقشه خدا را برای زندگی خود از روی کلام خدا کشف کرد. این روش بسیار خوبی برای یافتن اراده خداست.

پس بهتر است در مورد مطالعه کلام خدا جدی تر باشیم. کتاب مقدس کتاب قطوری است و هیچکس انتظار ندارد که بتوانیم حتی در تمام عمر خود تمام آن را بخوبی فرا گیریم ولی این نباید دلیلی برای تنبلی ما در این مورد باشد. آنچه امروز یاد می گیریم احتمالاً در تصمیماتی که فردا باید اتخاذ کنیم مورد استفاده خواهد بود. پس شروع کنیم.

\* \* \* \*

«می‌خواهد جمیع مردم نجات یابند و به معرفت راستی گرایند» (اول تیموتاوس ۴:۲). باز می‌فرماید که «نمی‌خواهد که کسی هلاک گردد بلکه همه به توبه گرایند» (دوم پطرس ۳:۹، متی ۱۴:۱۸ و یوحنا ۶:۳۹ و ۴۰). هم‌چنین می‌فرماید که مسیح آمده است «تا گمشده را بجوید و نجات بخشید» (لوقا ۱۹:۱۰).

پس اولین قسمت از اراده و نقشه الهی برای زندگی شما اینست که نجات پیدا کنید. باید از همین نکته شروع کنید تا بتوانید بقیه قسمت‌های اراده خدا را هم بفهمید. گناهان خود را اعتراف کنید. قبول کنید که هیچیک از کارهای شما نمی‌تواند شما را برای ایستادن در حضور خدای عادل شایسته بسازد. قبول کنید که عیسی مسیح بجای شما و برای گناهان شما جان داد. سپس به او بعنوان بخشاینده گناهان و نجات‌دهنده خودتان ایمان بیاورید. خدا گناهان شما را خواهد بخشید و شما را مطمئن خواهد ساخت که اهل بهشت هستید و از هم‌اکنون شما را در جاده پرهیجان و هدف‌دار و آرام زندگی جدید قرار خواهد داد.

معهداً اگر اراده خدا اینست که همه نجات یابند، باید بدانیم که نجات ما فقط شروع کار است. خدا مایل است که از شما برای راهنمایی دیگران بسوی حقیقت استفاده کند. عیسی مسیح فرمود «چنانکه پدر مرا فرستاد، من نیز شما را می‌فرستم» (یوحنا ۲۰:۲۱). نقش ما بعنوان مسیحی در جهان به مسیح شباهت دارد یعنی باید در دست خدا وسیله‌ای باشیم برای نجات گمشدگان. هر مسیحی این مأموریت الهی را دارد که پیام نجات توسط مسیح را به سایرین برساند. اگر این موضوع در نقشه الهی از اولویت برخوردار است برای ما هم باید اولین اولویت را داشته باشد. هر تصمیمی که اتخاذ می‌کنیم باید با این معیار سنجیده شود که در آماده ساختن ما برای رسانیدن پیام نجات مسیح تا چه حد تأثیر دارد.

این اولویت در مورد شهادت دادن درباره مسیح ممکن است در تصمیم شما در مورد ازدواج مؤثر باشد. اگر ازدواج کنید شاهد بهتری برای مسیح خواهید بود یا مجرد بمانید؟ شاید اراده خدا اینست که ازدواج نکنید. اولویت در مورد شهادت دادن حتماً در انتخاب شغل هم تأثیر خواهد داشت. در چه کاری می‌توانید بطرز بهتری مسیح را به گمشدگان معرفی کنید؟

## فصل نهم

### این است اراده خدا

ما بعنوان مسیحی، در مقایسه با بی‌ایمانان، در موقع اتخاذ تصمیمات دارای مزیت بخصوصی هستیم. ما نه فقط می‌دانیم که خدای قادر مطلق ما بهترین نقشه را برای زندگی ما دارد، بلکه اطلاعات قطعی و معتبری در مورد اولویتهای الهی داریم و این امر کمک می‌کند که بتوانیم نقشه او را اجرا کنیم. ما کلام الهام‌شده الهی را در اختیار داریم. خدا در کلام خود لااقل شش موضوع را ذکر می‌کند که جزئی از نقشه او برای زندگی ما است. خدا در کلام خود صریحاً می‌فرماید «این است اراده من برای شما». این شش موضوع با بسیاری از تصمیمات زندگی ما ارتباط دارد. اکنون به بحث درباره آنها می‌پردازیم.

#### اولویتهای اولیّه

اولین اولویت الهی اینست که خدا می‌خواهد، از طریق نجات دادن انسان از محکومیت گناه، باعث جلال خود گردد. او مایل است تمام افراد بشر نجات یابند و این حقیقت را بارها تکرار می‌کند. مثلاً می‌فرماید که

این سؤالات ممکن است عده‌ای را بسوی خدمت تمام‌وقت مسیحی راهنمایی کند. عده زیادی از جوانان مسیحی، به این دلیل که در مورد دعوت الهی اطمینان ندارند، از قبول کارهای روحانی و خدمات مسیحی خودداری می‌نمایند و بدنبال کارهای دیگر می‌روند. این کار صحیحی نیست، زیرا برای هر کاری که انجام می‌دهیم باید هدایت الهی داشته و مطمئن باشیم که کاری را که انجام می‌دهیم در نقشه خداست. هر جوان مسیحی باید دعا کند که خدا او را به خدمت مورد نظر خود دعوت فرماید.

عده‌ای ممکن است متوجه شوند که استعدادها و مهارت‌های آنها باعث می‌شود بتوانند کاری انتخاب کنند که با عده زیادی غیر مسیحی در تماس باشند که تماس با آنها بطرز دیگری ممکن نمی‌بود. ضمناً بدیهی است که کسانی که مشغول خدمات روحانی هستند به پشتیبانی مادی کسانی احتیاج دارند که به کارهای دیگر مشغولند. ولی هر کاری انتخاب کنیم باید مهمترین هدفمان این باشد که انجیل را به سایرین برسانیم.

اراده خدا در مورد نجات مردم، ممکن است در انتخاب رشته تحصیلی ما نیز مؤثر باشد. دانشگاه‌های غیر مذهبی بدون شك به شهادت مسیحی احتیاج دارند. ولی در عین حال مدارس مسیحی دارای وظیفه مهمی در مورد تربیت خادمین مسیحی می‌باشند. فقط خدا می‌تواند بفهمد که چه کاری برای شما مناسب است ولی در موقع اتخاذ تصمیم باید به این اولویت مهم توجه نمائید.

اولویت در مورد شهادت درباره مسیح ممکن است در تعیین محل سکونت ما مؤثر باشد. این امر در مورد تعیین امور ضروری و تجملی و روش زندگی هم مؤثر است. رسانیدن بشارت به همسایگان بسیار مهم است و احتیاجات مادی که برای هزینه فعالیت‌های بشارتی وجود دارد باعث می‌گردد که ما زندگی ساده‌ای در پیش بگیریم و هدایای بیشتری برای کار خداوند اختصاص بدهیم.

بعضی از مسیحیان در موقع اتخاذ این تصمیمات به اراده خدا توجهی نمی‌کنند. شخص جوانی، به این دلیل که در مورد اراده خدا اطمینان نداشت، از رفتن به مدرسه مسیحی که در آنجا کلام خدا را تعلیم می‌دادند خودداری نمود. سپس بدون اینکه درباره اراده خدا فکر کند تمام پس‌انداز خود را

صرف خریداری يك ماشین لوکس کرد. این کار صحیحی نبود. يك زن و شوهر جوان، به این دلیل که در مورد اراده خدا مطمئن نبودند، از قبول يك خدمت مسیحی کوتاه‌مدت که برای آنها بسیار مناسب بود خودداری کردند. سپس يك خانه بسیار گران‌قیمت در منطقه اعیان‌نشین خریداری نمودند ولی بعداً اعتراف کردند که در این مورد اراده خدا را در نظر نگرفته‌اند. این کار صحیحی نیست. خدا مایل است که ما در تمام تصمیمات زندگی با استفاده از اصول کتاب مقدس اراده او را بفهمیم.

هر مسیحی ممکن است این اولویت مهم یعنی شهادت به مسیح را در شرایط مختلف به طرق متفاوتی در نظر بگیرد ولی حتماً باید به آن توجه داشته باشد. دکتر بیل برایت (Dr. Bill Bright) چنین می‌گوید: «هر مسیحی لازم است موجودی روحانی خود را مرتباً کنترل نماید و از خود پرسد: آیا وقت من طوری مورد استفاده قرار می‌گیرد که بیشترین تعداد افراد بسوی مسیح رهبری شوند؟ آیا استعدادهای من طوری مورد استفاده قرار می‌گیرد که بیشترین تعداد افراد به سوی مسیح رهبری شوند؟ آیا پول و ثروت من طوری مورد استفاده قرار می‌گیرد که بیشترین تعداد افراد بسوی مسیح رهبری شوند؟» در اولویت‌های زندگی شما بشارت در چه محلی قرار دارد؟

### مرکز کنترل

«از اینجهت بی‌فهم مباشید بلکه بفهمید که اراده خداوند چیست و مست شراب مشوید که در آن فجور است بلکه از روح پر شوید» (افسیان ۱۷:۵ و ۱۸). این دومین قسمت اراده خداست.

علماء کتاب مقدس اتفاق نظر دارند که حرف «و» که دو جمله فوق را بهم مربوط می‌سازد، ما را از يك مطلب کلی به يك موضوع بخصوص می‌رساند. به عبارت دیگر، مست شدن نمونه کاملی از حماقت می‌باشد و پر بودن از روح القدس نشانه‌ای از اراده خداست. خدا می‌خواهد که ما از روح او پر شویم و این اراده او برای زندگی ما است. پس باید بدانیم که زندگی پر از روح چیست و چه ارتباطی به تصمیم‌گیری ما دارد.

در کتاب مقدس تشابه میان مستی و پر بودن از روح القدس دارای اهمیت می‌باشد. این امر به این معنی نیست که وقتی پر از روح هستیم باید

مانند اشخاص مست کارهای خلاف عقل انجام دهیم بلکه معنی آن اینستکه ما باید بوسیله روح القدس کنترل شویم. شخص مست نمی‌تواند خودش را کنترل نماید بلکه چیز دیگری او را کنترل می‌کند و آن مشروب الکلی است. وقتی شخصی پر از روح القدس باشد، وجود دیگری او را کنترل می‌کند که همان روح خداست.

ولی چطور می‌توانیم خود را تحت کنترل او قرار دهیم؟ اولاً باید چیزهایی را که مانع کنترل زندگی توسط او می‌شوند تشخیص دهیم. در کتاب مقدس این عمل اعتراف به گناه نام دارد. باید چیزهایی را که در زندگی برخلاف اراده خداست نزد او اعتراف کنیم - اعم از افکار و اعمال و هم‌چنین کارهایی که انجام داده‌ایم و نمی‌بایستی انجام می‌دادیم و کارهایی که می‌بایستی انجام می‌دادیم ولی انجام نداده‌ایم (اول یوحنا ۱: ۹).

ثانیاً باید با میل خود، خودمان را به او تسلیم کنیم و در کنترل او قرار دهیم. این همان عمل تقدیم بدنهای ما است که قبلاً درباره آن بحث کرده‌ایم (رومان ۱۲: ۱). وقتی حق اداره زندگی خود را به او می‌سپاریم و خود را در اختیار او می‌گذاریم، در آن موقع در کنترل او قرار داریم. ولی اگر قرار باشد روح خدا کنترل خود را ادامه دهد، باید همیشه به حضور او توجه داشته باشیم و به قدرت او اتکاء بنمائیم.

این امر عمدتاً بدین‌طریق انجام می‌شود که فکر خودمان را با کلام خدا بر سازیم. پولس رسول به مسیحیان افسس می‌فرماید «از روح پر شوید» و به مسیحیان کولسی می‌فرماید «کلام مسیح در شما به دولتمندی و به کمال حکمت ساکن بشود» (کولسیان ۳: ۱۶). وقتی این دو آیه را در متن خود مورد مطالعه قرار می‌دهیم متوجه می‌شویم که نکته اصلی هر دو آیه یکی است یعنی پر شدن از روح و پر شدن از کلام مسیح دارای یک معنی است. وقتی درباره کلام خدا تفکر می‌کنیم قلب ما بطرف مسیح کشیده می‌شود و امور روحانی برای ما اهمیت بیشتری پیدا می‌کند و زندگی ما را پر می‌سازد. در آنصورت کارهای ما بجای اینکه با قدرت خودمان انجام شود با اتکاء به قدرت او انجام می‌گردد. ما تحت تسلط یا کنترل روح خدا قرار می‌گیریم زیرا خواست خدا هم همین است و وقتی چنین حالتی داشته باشیم، خدا می‌تواند ما را هدایت کند.

این حقیقت بطرز زیبایی در آغاز خدمات عیسی مسیح نشان داده شد. «اما عیسی پر از روح بوده از اردن مراجعت کرد و روح او را به بیابان برد» (لوقا ۴: ۱). او پر از روح بود و توسط روح هدایت می‌شد. اگر مایلم مطمئن باشیم که راهی که در پیش گرفته‌ایم از طرف خداست، ما هم باید تحت تسلط و کنترل روح قرار گیریم.

دانستن این موضوع که اراده خدا اینستکه در زندگی پر از روح او باشیم، در تصمیمات روزانه ما تأثیر بسیار قطعی خواهد داشت. «امشب در ملاقاتی که با دوستم دارم به کجا برویم؟» در موقع تصمیم‌گیری در این مورد باید از تمام امکاناتی که ما را از مسیح دور می‌سازد و قدرت روح را در ما کم می‌کند صرف‌نظر نماییم. «آیا فرزندان خود را به مدارس دولتی بفرستم یا به مدارس مسیحی؟» این تصمیم مشکلی است و باید به جنبه‌های مختلف حقایق کتاب مقدس توجه نماییم که از آن جمله است نوع تعالیم روحانی که در خانه به کودکان داده می‌شود، ظرفیت روحانی فرزندان، لزوم شهادت به مسیح در مدارس دولتی، استعداد فرزندان ما در مورد شهادت به مسیح، میزان امکانات مالی خانواده. بعد از مطالعه تمام این موارد به تصمیمی که بر کتاب مقدس متکی باشد خواهیم رسید. ولی در هر حال باید به این نکته اهمیت بدهیم که تحصیلات باعث دوری فرزندان ما از مسیح نشود و به زندگی روحانی آنها صدمه نزند.

### پاکی صد درصد

«زیرا که این است اراده خدا یعنی قدوسیت شما تا از زنا بپرهیزید» (اول تسالونیکیان ۴: ۳). اراده خدا اینستکه ما مقدس باشیم. مقدس بودن به معنی پاکی و تعلق داشتن به خداست. مقصود اصلی این آیه پاکی از نظر روابط جنسی است. کلام خدا صریحاً اعلام می‌دارد که روابط جنسی خارج از ازدواج گناه است و مسیحیان باید از آن دوری کنند. ما هیچگاه نباید این سؤال را مطرح کنیم که آیا خدا مایل است من زنا کنم یا نه. خدا اراده خود را در این مورد صریحاً اعلام فرموده است. او همیشه مایل است که ما از نظر روابط جنسی پاک باشیم.

عده‌ای از جوانان که در صدد یافتن اراده خدا در مورد شریک زندگی

خود هستند، با بعضی از دوستان جنس مخالف خود بیش از حد تماس بدنی دارند. بدین طریق وسوسه‌ای که در آنها بوجود می‌آید گاهی از حد تحمل می‌گذرد. در اینگونه موارد من بر اساس کلام خدا می‌توانم اعلام نمایم که این دو برای یکدیگر آفریده نشده‌اند زیرا بیش از حد به بدن یکدیگر توجه دارند. کتاب مقدس می‌فرماید «از زنا بگریزید» (اول قرن‌تین ۶: ۱۸) و اضافه می‌کند «از شهوات جوانی بگریز» (دوم تیموتاوس ۲: ۲۲). اگر شخصی از نظر جنسی شما را وسوسه می‌کند، اراده خدا اینست که با سرعت هرچه تمامتر از او بگریزید. از این نوع روابط فرار کنید زیرا مخالف اراده خداست. اراده خدا پاک‌ی شماست.

### روحیه شکرگزاری

«در هر امری شاکر باشید که این است اراده خدا در حق شما در مسیح عیسی» (اول تسالونیکیان ۵: ۱۸). شاکر بودن در هر امر، که طبق این آیه اراده خداست، برای بعضی از مسیحیان مشکل است. این مسیحیان قبول دارند که برای امر خوبی که رخ می‌دهد باید خدا را شکر کرد. ولی چطور می‌توان خدا را برای مشکلات شکر کرد؟ آنها معتقدند که بعضی از شرایط به انسان این حق را می‌دهند که اظهار نارضایی و شکایت کند. ممکن است این آیه را اینطور تفسیر کنند که مقصود اصلی این نیست که خدا را برای همه چیز شکر کنیم بلکه باید در شرایط مشکل هم سعی کنیم شاکر باشیم. آنها می‌گویند «با وجودی که شرایط زندگی چندان رضایت‌بخش نیست ولی باز هم خدا را برای تمام کارهای خوب شکر می‌کنیم».

پولس این موضوع را در قسمتی که مربوط به پر از روح خدا بودن است روشن می‌سازد. در آیات بعد از آن، پولس رسول چهار خصوصیت زندگی پر از روح را شرح می‌دهد که یکی از آنها این است «پیوسته به جهت هر چیز خدا و پدر را به نام خداوند ما عیسی مسیح شکر کنید» (افسسیان ۵: ۲۰). خدا مایل است که او را برای همه چیز شکر کنیم نه برای بعضی از چیزها. البته مقصود این نیست که مثلاً وقتی يك نفر فوت می‌کند ما راه بیافتیم و در همه جا فریاد بزنیم «خدا را شکر!» بدیهی است که این کاری احمقانه خواهد بود. ولی می‌توانیم در قلب خود برای اینگونه وقایع تأسف آور خدا را

شکر کنیم زیرا باعث افزایش تجربیات روحانی ما می‌شوند.

وقتی با وضع مشکلی روبرو می‌شویم معمولاً از خود سؤال می‌کنیم «خدا از من چه انتظاری دارد؟» ولی مقصود اصلی ما اینست که «چه می‌توانم بکنم که از این وضع خلاص شوم؟» نوجوانی که والدین سخت‌گیر و خشنی دارد، می‌خواهد بداند که چه باید بکند. کارمندی که رئیسش به او ظلم می‌کند، می‌خواهد بداند که چه باید بکند. زنی که شوهرش نسبت به او بی‌توجه است می‌خواهد بداند که چه باید بکند.

اولین کاری که خدا از ما انتظار دارد اینست که برای مشکلی که داریم او را از صمیم قلب شکر نماییم و از خدا سپاسگزار باشیم که فرصت جدیدی پیش آمده که از نظر روحانی رشد کنیم و لطف و فیض کامل او را بهتر بفهمیم. همین روحیه شکرگزاری می‌تواند در دست خدا وسیله‌ای باشد که بوسیله آن به ما آرامش بدهد و ما را برای تحمل مشکلات آماده سازد. آیا مایلید اراده خدا را برای زندگی خودتان بفهمید؟ اراده او اینست که او را همیشه و در تمام شرایط و برای همه چیز شکر کنید.

### اطاعت

«لهدا هر منصب بشری را بخاطر خداوند اطاعت کنید خواه پادشاه را که فوق همه است و خواه حکام را که رسولان وی هستند به جهت انتقام کشیدن از بدکاران و تحسین نیکوکاران زیرا که همین است اراده خدا که به نیکوکاری خود جهالت مردمان بی‌فهم را ساکت نمائید» (اول پطرس ۲: ۱۳-۱۵). اراده خدا اینست که از قوانین کشور اطاعت کنیم. این یکی از راههایی است که خدا بوسیله آن می‌تواند دهان مخالفین انجیل را ببندد. ما گاهی از قانون‌شکنی خوشحال می‌شویم. مثلاً فرض کنید که من با عجله برای موعظه در کلیسا بسرعت رانندگی می‌کنم که به موقع به جلسه برسم. می‌دانم که اگر تأخیر داشته باشم رهبران جلسه و حضار ناراحت خواهند شد. آیا صحیح خواهد بود که کیلومترشمار اتومبیل خود را دستکاری کنم که سرعت کمتری نشان دهد؟ اگر پلیس راه مرا که يك خادم مسیح هستم متوقف سازد و متوجه شود چه کاری کرده‌ام، در مورد عیسی مسیح چه نظری خواهد داشت؟



در مورد قوانینی که خوب نیستند چه باید بکنیم؟ باید برای عوض کردن آنها فعالیت کنیم ولی تا زمانی که عوض نشده‌اند، اراده خدا اینست که از آنها اطاعت نمائیم. تنها استثنایی که در این مورد وجود دارد اینست که قوانین انسانی با احکام صریح الهی مخالف باشند که در اینصورت باید از خدا اطاعت کنیم. پطرس و یوحنا هم، وقتی رؤسای یهود به آنها دستور دادند که به نام عیسی موعظه نکنند، اطاعت نکردند (اعمال ۴: ۱۸-۲۰ و ۵: ۲۸ و ۲۹). اطاعت از مقامات، که اراده خدا می‌باشد، محدود به اطاعت از دولت نیست. کارکنان باید از کارفرمایان اطاعت کنند (افسیسیان ۵: ۶ و ۶ اول پطرس ۲: ۱۸). زنان باید شوهران خود را اطاعت نمایند (افسیسیان ۵: ۲۲ و اول پطرس ۳: ۱). بطور کلی به ایمانداران دستور داده شده است که از پیشوایان روحانی کلیسای خود اطاعت کنند (عبرانیان ۱۳: ۱۷). در واقع همه باید نسبت به یکدیگر روحیه‌ای مطیع داشته باشیم (افسیسیان ۵: ۲۱). اگر می‌خواهید تصمیم بگیرید که از حقوق خود دفاع کنید و به دفاع از عقاید خود بپردازید و در مورد روشهای خود پافشاری نمائید، وظیفه شما کاملاً روشن است. خدا می‌خواهد مطیع باشید.

### موانع راه

ممکن است عده‌ای از این موضوع خیلی تعجب کنند ولی خدا می‌خواهد که ما زحمت بکشیم. پطرس رسول دو بار به زحمت کشیدن طبق اراده خدا اشاره می‌نماید. يك بار می‌فرماید «زیرا اگر اراده خدا چنین است، نیکوکار بودن و زحمت کشیدن بهتر است از بدکردار بودن» (اول پطرس ۳: ۱۷). در جای دیگری می‌فرماید «پس کسانی نیز که بر حسب اراده خدا زحمت کشند جانهای خود را در نیکوکاری به خالق امین بسپارند» (اول پطرس ۴: ۱۹). باید دانست که این آیات نمی‌گویند که اراده خدا این است که تمام مسیحیان باید زحمت بکشند ولی نشان می‌دهند که احتمال زحمت کشیدن وجود دارد. اگر زحمت می‌کشیم این زحمات باید برای کارهای نیکو باشد نه برای افکار و رفتار گناه‌آلود (اول پطرس ۴: ۱۴-۱۶).

دو آیه از فرمایشات پولس رسول با آیات فوق‌الذکر هماهنگی کامل دارد. پولس رسول می‌فرماید «زیرا که به شما عطا شد بخاطر مسیح نه فقط

ایمان آوردن به او بلکه زحمت کشیدن هم برای او» (افسیسیان ۱: ۲۹). در جای دیگر می‌فرماید «همه کسانی که می‌خواهند در مسیح عیسی به دینداری زیست کنند زحمت خواهند کشید» (دوم تیموتاوس ۳: ۱۲). در این دو آیه اصطلاح «اراده خدا» وجود ندارد ولی مفهوم آن با توجه به فرمایشات پطرس رسول روشن است.

اگر بخواهیم در این دنیایی که خدا را نمی‌شناسد زندگی خداپسندانه‌ای داشته باشیم حتماً با نوعی مخالفت روبرو خواهیم شد. این اراده خداست زیرا می‌داند این موضوع باعث خواهد گردید که به او نزدیکتر شویم، قدر او را بیشتر بدانیم و در زندگی روحانی بیشتر تقویت شویم. اگر به زندگی خود ادامه می‌دهیم و از طرف مردم جهان اشکالی برای ما بوجود نمی‌آید حتماً یکی از دو مورد زیر صحت دارد: یا زندگی خداپسندانه‌ای نداریم یا اینکه مردم آن را نمی‌بینند. اگر زندگی خداپسندانه ما را مشاهده کنند، حتماً بعضی از آنها بر ضد ما اقدام خواهند کرد و باعث ایجاد مشکلاتی خواهند شد. این حقیقتی است که خدا فرموده است.

مقصود من ناراحتی‌هایی نیست که بر اثر رفتار ناشیانه و گستاخی و غرور روحانی ما ایجاد می‌شود. مقصود من رفتارهای عجیب و غریبی که برای اثبات روحانی بودن خودمان انجام می‌دهیم نیست. این اعمال باعث ناراحتی مردم و خراب شدن کار مسیح می‌گردد. مقصود من زندگی خداپسندانه است که بر اثر آن معلوم می‌شود ما به مسیح تعلق داریم و به همین دلیل عکس‌العمل مردم را هم، از سرزنش گرفته تا صدمات بدنی، با خوشحالی قبول می‌کنیم.

وقتی در زندگی با تصمیماتی روبرو هستیم باید به لزوم زحمت کشیدن توجه نماییم و فقط در فکر آزاد شدن از زحمات نباشیم. مثلاً فقط به این دلیل که ما با همسایگان خود برای فریب دادن شهرداری تباری نکرده‌ایم و آنها از ما بدشان می‌آید نباید محل سکونت خود را عوض کنیم. فقط به این دلیل که ملتی به انجیل علاقه زیادی ندارد، نباید از خدمت به آنها خودداری نماییم. عیسی فرمود «در جهان برای شما زحمت خواهد شد ولیکن خاطر جمع دارید زیرا که من بر جهان غالب شده‌ام» (یوحنا ۱۶: ۳۳).

اینها بود شش مورد روشنی که در آنها اراده خدا برای زندگی ما

صریحاً اعلام شده است: خدا می‌خواهد که ما نجات بیابیم، از روح پر شویم، مقدس باشیم، شاکر باشیم، اطاعت کنیم، برای زحمت کشیدن آماده باشیم. از خدا حکمت بطلبید که در تصمیمات خود این امور را عملی سازید.

\* \* \* \*

## فصل دهم

### نقشه مسافرت

وظیفه ناخدای کشتی اینست که کشتی خود را با مهارت از بندری به بندر دیگر هدایت کند. مهمترین راهنمای او نقشه جغرافیایی است که اطلاعات لازم، را در اختیار او می‌گذارد. با کمک نقشه می‌تواند مسیر خود را برای رسیدن به مقصد تعیین نماید.

نقشه لازم برای مسافرت در زندگی مسیحی همانا کلام خداست. کلام خدا شامل تمام حقایقی است که ما برای تعیین مسیر صحیح زندگی خود احتیاج داریم. در فصل گذشته نکاتی که اراده صریح خدا را بیان می‌دارند شرح دادیم. اکنون می‌خواهیم توضیح دهیم که احکام و اصول کلام خدا چگونه می‌توانند ما را در کشف اراده خدا کمک کنند.

#### فرمایشات فرمانده

وقتی خدا می‌فرماید که کاری را انجام دهیم یا از انجام کاری خودداری کنیم، خواه اصطلاح «اراده خدا» بکار رفته باشد یا نه، باید بدانیم که خواست خدا همین است. وقتی خدا درباره موضوع بخصوصی بطور

روشن سخن می‌گوید، همین برای ما اراده خداست و راهنمای دیگری لازم نداریم بلکه فقط باید اطاعت کنیم. در کتاب مقدس صدها حکم وجود دارد که به زندگی ما مربوط می‌شود. ما باید با فکر باز کتاب مقدس را بخوانیم و به این احکام مثبت و منفی یا اوامر و نواهی توجه نماییم.

ممکن است عده‌ای ایراد بگیرند و بگویند که اگر فکر خود را با قوانین و احکام مشغول سازیم طرز فکر شریعتی و قانونی خشک پیدا خواهیم کرد. صحیح است ولی کتاب مقدس نمی‌خواهد که ما فرمان را با قوانین مشغول سازیم بلکه می‌خواهد فرمان را به خداوند مشغول نماییم. هرچه بیشتر خداوند را بشناسیم و محبت کنیم، بیشتر مایل خواهیم بود که رضایت او را جلب نماییم. چون خداوند بطور واضح به ما می‌فرماید که چه چیزی رضایت او را جلب می‌نماید، سهل‌انگاری در این مورد کار احمقانه‌ای خواهد بود. خود خداوند می‌فرماید «اگر مرا دوست دارید احکام مرا نگاه دارید» (یوحنا ۱۴:۱۵).

بدهی است که ما نمی‌توانیم تمام احکام او را در اینجا ذکر کنیم ولی می‌توانیم نشان دهیم که بعضی از این احکام چگونه در تصمیمات ما تأثیر می‌نمایند. سپس خودمان می‌توانیم در موقع مطالعه کلام به احکام دیگر توجه نماییم. ذیلاً به چند نمونه اشاره می‌شود.

گاهی عده‌ای از من سؤال می‌کنند که اگر شخصی به آنها بدی کند چه عکس‌العملی باید نشان دهند. این اشخاص خودشان عقایدی دارند مثلاً بعضی به شیان کلیسا شکایت می‌کنند یا اینکه موضوع را به یکی از دوستان صمیمی طرف مقابل می‌گویند تا در حل مسئله کمک کند. ولی غالباً طرز فکر انسانی باعث بغرنج‌تر شدن موضوع می‌گردد. وقتی روش الهی را در دست داریم چرا باید از روشهای انسانی استفاده کنیم؟ عیسی بطور صریح فرمود «اگر برادرت به تو گناه کرده باشد برو و او را میان خود و او در خلوت الزام کن. هرگاه سخن تو را گوش گرفت برادر خود را دریافتی» (متی ۱۵:۱۸).

آیا توجه فرمودید که خدا می‌گوید درباره مشکل خود اول با چه کسی صحبت کنید؟ با شخصی که نسبت به شما مرتکب خطا شده است. یعنی باید شما و او تنها باشید و هیچکس دیگر حضور نداشته باشد. اگر موضوع را به شخص دیگری بگوئیم مثل اینستکه درباره طرف مقابل غیبت و بدگویی

کرده‌ایم و این برخلاف این حکم کتاب مقدس است: «ای برادران یکدیگر را ناسزا مگوئید (یعنی بدگویی نکنید)» (یعقوب ۴:۱۱). اگر به شخص دیگری بگوئیم، طرف مقابل را بدنام کرده‌ایم و این برخلاف حکمی است که باید درباره هرچه نیک‌نام است تفکر کنیم (فیلیپان ۴:۸).

اگر با روحیه‌ای فروتن و مهربان نزد برادری که باعث ناراحتی ما شده است برویم (غلاطیان ۶:۱)، و او ما را ببذیرد، مشکل حل می‌شود و روح برادری برقرار می‌گردد. اگر او از تلاش صلح‌جویانه ما استقبال نکند باید یکی دو نفر را همراه خود ببریم تا شاهد تلاش صلح‌آمیز ما و شاهد عکس‌العمل او باشند (متی ۱۶:۱۸). اگر سخنان شاهدان را هم گوش نکنند، باید موضوع را به کلیسا اطلاع بدهیم. اگر کلیسا خطاکار بودن او را تأیید نماید ولی او از قبول خطای خود سرپیچی کند، طبق فرمایش مسیح باید او را بیگانه یا باجگیر بشماریم و این به آن معنی است که او از مشارکت کلیسایی محروم می‌گردد تا وقتی موضوع را حل نماید (متی ۱۷:۱۸). این روش الهی حل مشکلات باعث می‌شود که غیبت و بدگویی در کلیسا از بین برود و از شقاق و جدایی جلوگیری شود و افکار خصومت‌آمیز در میان مسیحیان تقلیل یابد.

مثال دیگری می‌زنیم. عده‌ای از خانمها ظلمهایی را که از شوهران خود متحمل شده‌اند برای من شرح داده و سپس پرسیده‌اند، آیا فکر نمی‌کنید که طلاق لازم است؟ کتاب مقدس به این سؤال جواب می‌دهد: «اما منکوحان را حکم می‌کنم و نه من بلکه خداوند که زن از شوهر خود جدا نشود» (اول قرنتیان ۷:۱۰).

«جدا نشود» یعنی «طلاق نگیرد» و این امر از آیه بعدی روشن می‌گردد که می‌فرماید «اگر جدا شود مجرد بماند». خدا از طلاق نفرت دارد (ملاکی ۲:۱۶). در اراده کامل خدا طلاق وجود ندارد. صریحاً دستور می‌فرماید که «زن از شوهر خود جدا نشود» و شوهر هم نباید زن خود را طلاق دهد (اول قرنتیان ۷:۱۱). خدا همیشه مایل است که زن و شوهر با هم باشند و با فروتنی و فداکاری و با پیروی از نصایح الهی برای سعادت خانواده خود بکوشند.

پس چرا پولس رسول از جدا شدن زن سخن می‌گوید و می‌فرماید «اگر

جدا شود مجرد بماند یا با شوهر خود صلح کند» (اول قرن‌تیان ۱۱:۷)؛ علت اینستکه پولس می‌داند که عده‌ای ممکن است به بهانه‌های مختلف از اطاعت فرمایش مسیح خودداری کنند. در اینصورت اراده خدا برای آنها این است که یا مجرد بمانند یا با شوهر خود آشتی کنند.

پولس در مورد زنا که طبق فرمایش مسیح می‌تواند علت طلاق باشد (متی ۵:۳۲) سخنی نمی‌گوید. هم‌چنین روشن نمی‌سازد که اگر شخصی طلاق گرفته ولی همسرش با شخص دیگری ازدواج کرده باشد، چون دیگر امکان آشتی وجود ندارد، چه باید کرد. ولی بطور روشن نشان می‌دهد که اگر متأهل هستیم و همسر ما زناکار نیست چه وظیفه‌ای داریم. باید با هم باشیم و جدا نشویم. در سفر زندگی نقشه خدا برای شما همین است.

در مورد ازدواج باید به این نکته بسیار مهم اشاره کنیم که کتاب مقدس صریحاً روشن می‌سازد که از ازدواج با چه کسانی باید خودداری کنیم: «زیر یوغ ناموافق با بی‌ایمانان مشوید» (دوم قرن‌تیان ۱۴:۶). شخص ایماندار نباید با بی‌ایمان هم‌یوغ شود. هم‌یوغ شدن ممکن است معانی متعددی داشته باشد ولی بدون شك به ازدواج هم مربوط می‌گردد که مهمترین پیوند زندگی است. اراده خدا برای شما که مسیحی هستید هرگز این نیست که با یک بی‌ایمان ازدواج کنید. پولس این موضوع را، در موقعی که درباره ازدواج مجدد زنان بیوه سخن می‌گوید، روشن می‌سازد زیرا می‌فرماید که ازدواج آنها باید فقط «در خداوند» باشد (اول قرن‌تیان ۳۹:۷).

این اصل باید به جوانان کمک کند که تصمیم بگیرند با چه کسانی صمیمی شوند. قرار ملاقات گذاشتن با بی‌ایمانان و بردن آنها به کلیسا به منظور اینکه آنها بتوانند بر اثر شنیدن کلام خدا نجات مسیح را بیابند کار بسیار خوبی است ولی اگر این قرار ملاقات برای منظور فوق‌الذکر نباشد ممکن است در ما احساساتی بوجود آورد که بر اثر آن برخلاف کلام خدا با بی‌ایمان ازدواج کنیم و از اراده خدا خارج شویم.

از طرف دیگر نکات مثبت زیادی در کلام خدا وجود دارد که نشان می‌دهد با چه کسانی صمیمی شویم و با چه کسی ازدواج کنیم. در موقع مطالعه کتاب مقدس متوجه خواهیم شد که مردان و زنان ایماندار چه خصوصیتی دارند. باید این خصوصیات را یادداشت کنیم و خودمان را با این

معیارها بسنجیم نه با معیارهای انسانی.

عده زیادی از من سؤال کرده‌اند که وقتی کار خود را از دست می‌دهند بهتر است از حقوق زمان بیکاری که توسط دولت پرداخت می‌گردد استفاده کنند یا برای پیدا کردن کار جدیدی تلاش نمایند. کتاب مقدس در این مورد حکم صریحی دارد: «زیرا هنگامیکه نزد شما هم می‌بودیم این را به شما امر فرمودیم که اگر کسی خواهد کار نکند خوراک هم نخورد» (دوم تسالونیکیان ۳:۱۰). اگر فرصت کار وجود دارد و انسان از سلامتی برخوردار است موظف است کار کند. عده‌ای بهانه می‌آورند که کار پیشنهادی مناسب استعداد آنها نمی‌باشد یا در شأن آنها نیست و یا حقوقش کافی نمی‌باشد و ترجیح می‌دهند از حقوق ایام بیکاری استفاده نمایند. این افراد سربار جامعه هستند و از ثمره کار دیگران سود می‌برند. کار کردن بهترین وسیله‌ای است که خدا برای رفع احتیاجات ما بوجود آورده است. کار کردن جزء اساسی زندگی ما است و کسانی که از کار کردن خودداری می‌نمایند برای اطرافیان خود مزاحمت ایجاد می‌کنند. در کلیسای تسالونیکیان چنین وضعی وجود داشت: «زیرا شنیدیم که بعضی در میان شما بی‌نظم رفتار می‌کنند که کاری نمی‌کنند بلکه فضول هستند. اما چنین اشخاص را در خداوند ما عیسی مسیح حکم و نصیحت می‌کنیم که به آرامی کار کرده نان خود را بخورند» (دوم تسالونیکیان ۳:۱۱ و ۱۲).

بیجا نیست که چند کلمه‌ای درباره تغییر کار اضافه نمائیم. این تصمیمی است که در طول عمر احتمالاً چند بار پیش می‌آید. سؤال اصلی این است: «چرا می‌خواهید کارتان را عوض کنید؟» آیا برای تأمین مخارج فرزندانان است؟ آیا می‌خواهید پول بیشتری برای کار خداوند بدهید؟ یا اینکه این تصمیم شما به علت طمعکاری شماست؟

نویسنده رساله عبرانیان در این مورد دستور مفیدی می‌دهد: «سیرت شما از محبت نقره خالی باشد و به آنچه دارید قناعت کنید» (عبرانیان ۵:۱۳). من معتقدم که عده‌ای کار خود را بی‌جهت عوض می‌کنند زیرا طمعکار هستند. فکر می‌کنند که کار بعدی آنها را ثروتمند خواهد ساخت. ولی غیر ثابت و غیر مسئول بودن آنها باعث خواهد گردید که ثبات و امنیت خانوادگی خود را از دست بدهند. حتی گاهی از ضروریات اولیه زندگی

محروم می‌شوند. خدا می‌خواهد قانع باشیم. قانع بودن با سستی و تنبلی تفاوت دارد. قناعت واقعی باعث می‌گردد که نسبت به وظایف خود امین باشیم و خدا اشخاص امین را برکت می‌دهد (متی ۲۵: ۲۱ و ۲۳ و اول قرنتیان ۴: ۲).

در موقع بحث در مورد کارکردن می‌توانیم دربارهٔ مرخصی هم چند نکته ذکر کنیم. امسال برای مرخصی سالانه خود چه برنامه‌ای داشته باشیم؟ خدا در این مورد هم دستور مناسبی دارد: «پس باخبر باشید که چگونه به دقت رفتار نمایید نه چون جاهلان بلکه چون حکیمان و وقت را دریابید زیرا این روزها شریر است» (افسیسیان ۵: ۱۵ و ۱۶). مرخصی باید باعث استراحت و آرامش ما شود ولی در عین حال باید سازنده و دارای هدف باشد. وقت خودمان را نباید تلف کنیم. مردم جهان بدون مسیح می‌میرند و هلاک می‌شوند. روزهای عمر ما محدود است و باید از وقت خود به بهترین نحو استفاده کنیم. حتی در مرخصی‌های تفریحی باید برای رشد روحانی فرصت داشته باشیم تا بتوانیم با نیروی جدید به خدماتیکه خدا به ما محول فرموده است ادامه دهیم. حتی در موقع مرخصی باید از فرصت برای رسانیدن مژدهٔ نجات مسیح به سایرین استفاده کنیم. هیچوقت نمی‌توانیم از حضور خدا مرخص شویم. مرخصی بدون توجه به ارادهٔ خدا باعث ضعف روحانی می‌گردد.

اینها نمونه‌هایی بود از اینکه چگونه احکام کتاب مقدس ما را در تصمیم‌گیری صحیح کمک می‌کنند. شما خودتان می‌توانید در موقع مطالعه کلام خدا احکام دیگری پیدا کنید و در زندگی خود اجرا نمایید. اینها می‌توانند ابرهای سرگردانی را از مسیر زندگی شما دور کنند.

## اصول کلی

اصول کلی کتاب مقدس، مانند احکام صریح، در تشخیص ارادهٔ خدا دارای نقش اساسی هستند. اصول عبارتند از بیان حقایق و این حقایق در زندگی خداپسندانه ما مؤثر می‌باشند.

برای اینکه موضوع روشن شود در مورد طرز خرج کردن پول مثالی می‌زنیم. یکی از اصول اساسی کتاب مقدس اینستکه خدا سرچشمه تمام ثروتهاست. موسی به قوم خود فرمود که خدا به آنها نیرو بخشیده است تا

ثروت بدست آورند (تثنیه ۸: ۱۸). حضرت داود هم اعلام می‌دارد «دولت و جلال از تو می‌آید. ای یهوه خدای ما، تمامی این اموال که به جهت ساختن خانه برای اسم قدوس تو مهیا ساخته‌ایم از دست تو و تمامی آن از آن تو می‌باشد» (اول تواریخ ۲۹: ۱۲ و ۱۶). پولس رسول هم می‌فرماید که خدا «همه چیز را دولت‌مندان را برای تمتع به ما عطا می‌فرماید» (اول تیموتاوس ۶: ۱۷).

اگر تمام ثروتها از خداست و به او تعلق دارد، پس او حق دارد به ما بگوید که تمام آن را چگونه صرف نماییم و فقط قسمت کمی که برای کار او هدیه می‌کنیم مال خدا نیست بلکه تمام ثروت ما مال اوست. حتی خدا مایل است که در خریدهای ما به ما کمک فرماید و نشان دهد چه خانه‌ای یا چه اتومبیلی یا چه نوع ماشین لباسشویی خریداری نماییم. باید همیشه از خود سؤال کنیم «آیا این چیزی را که می‌خواهم بخرم واقعاً احتیاج دارم؟» گاهی چیزهایی می‌خریم که ضروری نیستند بلکه تجملی.

یکی از بهترین روشها در موقع خرید اینستکه مسیح را در کنار خود تصور کنیم و پرسیم که اگر جای ما بود چه چیزهایی می‌خرید. گاهی به غلط خیال می‌کنیم که چون درآمد ما از فلانی بیشتر است پس باید چیزهای بیشتری خریداری نماییم. وقتی مالک تمام ثروتها بر روی زمین راه می‌رفت، تقریباً چیزی نداشت. شاید خدا می‌خواهد درآمد بیشتری داشته باشیم تا به کارهای بشارتی بیشتر هدیه بدهیم نه اینکه در فکر راحتی خود باشیم. اطلاع از این اصل که خدا مالک تمام ثروتهاست به ما کمک می‌کند که اولویتهای مالی خود را به طرز صحیح‌تری تشخیص دهیم.

يك روز خانمی به دفتر من آمد و می‌خواست بداند در مقابل برادرش که سهم الارث او را به خود اختصاص داده بود چه عکس‌العملی باید نشان بدهد. يك نفر از عیسی همین سؤال را پرسید و مسیح در جواب خود اصلی را ذکر فرمود که در حل مشکل این خانم هم مفید بود: «شخصی از آن جماعت به وی گفت ای استاد برادر مرا بفرما تا ارث پدر را با من تقسیم کند. به وی گفت ای مرد، که مرا بر شما داور یا مقسم قرار داده است؟ پس بدیشان گفت زنهار از طمع پرهیزید زیرا اگر چه اموال کسی زیاد شود حیات او از اموالش نیست» (لوقا ۱۲: ۱۳-۱۵).

اصل مهم که در این مورد می‌توان بدست آورد اینست که در زندگی چیزهای مهمتری وجود دارند که نمی‌توان با پول خریداری کرد. اگر این اصل را خوب یاد بگیریم آزادی و آرامش زیادی بدست خواهیم آورد. اگر خانمی که به دفتر من آمده بود بدون توجه به این اصل برای سهم‌آلارث که میزان آن هم زیاد نبود علیه برادر خود اقامه دعوی می‌نمود به رابطه خانوادگی آنها لطمه شدیدی وارد می‌شد که با هیچ مبلغی قابل جبران نبود.

عده‌ای می‌خواهند بدانند که خدا مایل است آنها به چه کلیسایی بروند. اصول کتاب مقدس می‌تواند ما را در این مورد راهنمایی کند. پولس رسول کلیسا را «ستون و بنیاد راستی» می‌خواند (اول تیموتائوس ۳: ۱۵). چون عیسی فرمود که خودش راستی یا حقیقت است (یوحنا ۱۴: ۶) و کلام خدا حقیقت است (یوحنا ۱۷: ۱۷)، پس کلیسایی که بر اساس عهد جدید استوار شده باشد کلیسایی است که می‌تواند عیسی مسیح خداوند را جلال بدهد و کلام او را موعظه کند و تعلیم دهد. ما می‌توانیم با استفاده از این اصل تشخیص دهیم که باید به چه کلیسایی برویم و اگر کلیسایی که عضو آن هستیم از این اصل منحرف شده است باید از پشتیبانی آن خودداری نماییم.

مثال دیگری ذکر می‌کنیم. یک دانش‌آموز دبیرستانی می‌خواست بفهمد آیا اراده خداست که در مسابقات ورزشی مدرسه شرکت کند یا نه. آیا در کلام خدا در این مورد اصولی وجود دارد؟ پولس رسول می‌فرماید «ریاضت بدنی اندک فایده‌ای دارد لیکن دینداری برای هر چیز مفید است که وعده زندگی حال و آینده را دارد» (اول تیموتائوس ۴: ۸). مسابقات ورزشی فوایدی دارد ولی امور مهم دیگری هم هست. آیا وقتی که برای تمرینات صرف می‌شود مانع صرف وقت برای خداوند نمی‌گردد؟ در رفتار خداپسندانه ما چه تأثیری خواهد داشت؟ اگر انسان ورزش را بر خدا مقدم بشمارد از نقشه خدا برای زندگی خود دور خواهد شد. اگر در استفاده از این اصل صمیمی باشد، خدا او را راهنمایی خواهد فرمود.

یکی از مهمترین سؤالاتی که در فکر بسیاری از مسیحیان وجود دارد عبارتست از امور مشکوک و غیر قطعی یعنی کارهایی که بنظر عده‌ای از مسیحیان جایز است و بنظر عده‌ای دیگر از مسیحیان گناه شمرده می‌شود. آیا این کارها را می‌توانیم انجام دهیم؟ در کتاب مقدس چند اصل وجود دارد که

می‌تواند ما را راهنمایی کند. عمل مورد بحث ما چیست؟ آیا يك مسیحی ضعیف را به گناه می‌کشاند (رومیان ۱۴: ۲۱)؟ آیا بر من تسلط می‌یابد (اول قرنطیان ۶: ۱۲)؟ آیا به بدن من ضرر می‌رساند (اول قرنطیان ۶: ۱۹)؟ آیا باعث بنای روحانی من می‌شود (اول قرنطیان ۱۰: ۲۳)؟ آیا باعث جلال خداوند خواهد شد (اول قرنطیان ۱۰: ۳۱)؟ آیا می‌توانم این کار را با وجدان راحت انجام دهم؟ اصلی که در کتاب مقدس وجود دارد این است «هرچه از ایمان نیست گناه است» (رومیان ۱۴: ۲۳). به عبارت دیگر اگر کاری را نمی‌توانم بعنوان يك فرزند خدا در شادی نجات انجام دهم این کار گناه است و قطعاً مانع اجرای نقشه خدا در زندگی من خواهد شد.

اجازه بفرمایید موضوع دیگری را که باعث سرگردانی بعضی از مسیحیان می‌شود ذکر کنم. آیا باید ناراحتی‌ها و تلاشها و ضعفهای خود را با سایر ایمانداران در میان بگذاریم یا نه؟ بعضی عقیده دارند که اگر مردم از باطن ما باخبر شوند این امر در نام نیکوی ما بعنوان مسیحی تأثیر بدی خواهد داشت. ولی این اصل که کلیسا بدن مسیح است به ما کمک خواهد کرد که جواب صحیح را پیدا کنیم. «زیرا چنانکه بدن یکی است و اعضای متعدد دارد و تمامی اعضای بدن اگرچه بسیار است يك تن می‌باشد، هم‌چنین مسیح نیز می‌باشد» (اول قرنطیان ۱۲: ۱۲). «اگر يك عضو دردمند گردد سایر اعضا با آن همدرد باشند» (اول قرنطیان ۱۲: ۲۶).

اگر درد شخصی را ندانیم چگونه با او همدردی خواهیم کرد؟ اگر ندانیم برادر ما از چه نظر احتیاج به پشتیبانی دارد در حضور خدا برای او چه دعا خواهیم کرد؟ اگر ندانیم چه باری دارد چطور می‌توانیم در حمل آن کمک کنیم (غلاطیان ۶: ۲)؟ من نمی‌گویم که باید تمام ضعفهای خود را با بلندگو به همه اعلام کنیم. ولی اجرای این اصل باعث می‌شود که قلب خود را برای یکدیگر بیشتر باز کنیم. اگر نقص‌های خود را نزد دوستان مسیحی بسیار نزدیک خود اعتراف نماییم باعث تقویت آنها خواهیم شد. آنها خواهند فهمید که ما هم مانند آنها نقص داریم. این امر باعث برکت ما هم خواهد شد و ما را تشویق خواهد نمود که زندگی خود را مورد بررسی قرار دهیم. اجرای صحیح این اصل باعث رشد روحانی خواهد گردید.

اینها نمونه‌های کوچکی بود از اینکه چگونه می‌توان توسط کلام خدا

راهنمایی شد. آرزوی ما اینستکه این نمونه‌ها خوانندگان گرامی را تشویق نماید تا کتاب مقدس را جستجو کنند و احکام و اصول را بیابند و از آنها برای درك نقشه الهی در زندگی خودشان استفاده نمایند.

\* \* \* \*

## فصل یازدهم احساس هدایت

همه ما در زندگی مسیحی خود گاهی احساس شدیدی داشته‌ایم که کاری را انجام دهیم و این احساس باطنی را هدایت الهی دانسته‌ایم. خودم در کار شبانی گاهی احساس کرده‌ام که باید به شخص بخصوصی تلفن بزنم یا به منزل او بروم و بعداً فهمیده‌ام که این شخص در همان موقع احتیاج داشت که با من صحبت کند. این احساسهای باطنی ظاهراً تصادفی نیست. این نوع تجربیات برای فرزندان خدا غیر عادی نیست. روح خدا بر روح ایماندار صمیمی فشارهای ملایم وارد می‌سازد و او را متوجه احتیاج بخصوصی می‌گرداند و بوسیله تأثیر بر فکر باعث می‌شود که در جهت معینی هدایت شود.

ولی احساس هدایت باطنی توسط روح الهی را نمی‌توان از درك صحیح کلام خدا جدا کرد. اگر بخواهیم هدایت باطنی را از کلام کتبی الهی جدا سازیم در معرض خطرات متعددی قرار خواهیم گرفت. قبلاً درباره نقش کلام خدا در درك نقشه الهی بحث کردیم. اراده خدا را که بطور صریح در کلام مذکور می‌باشد نشان دادیم. روشن ساختیم که نقش احکام مثبت و منفی یا اوامر و نواهی مذکور در کلام خدا برای یافتن نقشه الهی چیست. بعلاوه

شرح دادیم که اصول کلی کلام خدا چگونه می‌توانند ما را در تصمیم‌گیری صحیح کمک کنند. اکنون می‌خواهیم رابطه موجود بین کلام خدا و احساس هدایت باطنی توسط روح را مورد بررسی قرار دهیم.

### حق یا امتیاز مخصوص ما

فرزند خدا این حق را دارد که در انتظار هدایت روح الهی باشد و این هدایت از طریق ارتباط مستقیم روح القدس با روح شخص ایماندار حاصل می‌گردد. هدایت شدن از روح مهمترین خصوصیت فرزندان واقعی خداست. پولس رسول می‌فرماید «زیرا همه کسانی که از روح خدا هدایت می‌شوند ایشان پسران خدایند» (رومیان ۸: ۱۴). کلمه هدایت در این آیه در مرحله اول به معنی راهنمایی شدن به زندگی جدید توأم با عدالت است که از طریق کشتن اعمال گناه‌آلود انسانیت کهنه عملی می‌گردد (رومیان ۸: ۱۳). ولی موضوع هدایت هر چه باشد، نکته اصلی در این آیه اینست که روح خدا فرزندان خدا را هدایت می‌کند. در همان قسمت از کلام خدا که این آیه وجود دارد، آیه دیگری هست که نشان می‌دهد که روح خدا مستقیماً در روح ایماندار شهادت می‌دهد زیرا پولس رسول می‌فرماید «همان روح بر روحهای ما شهادت می‌دهد که فرزندان خدا هستیم» (رومیان ۸: ۱۶).

کمتر کسی می‌تواند از قبول این حقیقت خودداری کند که خدا قادر است اندیشه‌هایی در فکر ما قرار دهد یا حتی در صورت تمایل می‌تواند فکرهای ما را کنترل نماید. چون خدا قادر است شرایطی را که بر روی طرز فکر ما مؤثر هستند کنترل نماید و چون طرز کار قدرت عاقله ما در دست خدا می‌باشد، پس او می‌تواند افکار ما را رهبری فرماید.

سلیمان نبی می‌فرماید «دل پادشاه مثل نه‌های آب در دست خداوند است، آنرا به هر سو که بخواهد برمی‌گرداند» (امثال ۲۱: ۱). عیسی مسیح به شاگردان خود وعده‌ای داد که این اصل را در خود دارا می‌باشد. وقتی مقامات رسمی، شاگردان مسیح را بخاطر ایمانشان محکوم می‌کردند، لازم نبود شاگردان مضطرب شوند زیرا در همان موقع روح القدس به آنها تعلیم می‌داد که چه بگویند (لوقا ۱۲: ۱۲). یعنی روح القدس اندیشه‌ای در فکر آنها قرار خواهد داد.

یوحنا رسول در رؤیای مربوط به نبوت، اجرای این اصل را حتی در زندگی بی‌ایمانان مشاهده کرد. درباره ده پادشاهی که در آینده با یک رهبر جهانی متحد خواهند شد چنین می‌فرماید «زیرا خداوند در دل ایشان نهاده است که اراده او را بجا آرند» (مکاشفه ۱۷: ۱۷). اگر خدا قادر است اراده خود را در فکر بی‌ایمانان قرار دهد، حتماً می‌تواند این کار را در مورد مسیحیان هم عملی سازد. نباید در این مورد اشکالی داشته باشیم که روح خدا می‌تواند اراده خود را مستقیماً به فکر شخص ایماندار منتقل نماید.

### عملی شدن این اصل

اگر صفحات اعمال رسولان را ورق بزنید متوجه خواهید شد که روح خدا خادمین او را شخصاً هدایت می‌فرماید. با یکی از خادمین به نام فیلیس سخن گفت و به او دستور داد که به عرابه‌ای نزدیک شود که در آن خواجه‌سرای حبشی برای قبول پیام انجیل آمادگی داشت (اعمال ۸: ۲۹). روح خدا به پطرس رسول سخن گفت و به او دستور فرمود که با سه نفری که از قیصریه برای بردن او آمده بودند همراه شود (اعمال ۱۰: ۱۹ و ۲۰). پطرس اطاعت کرد و به منزل یک افسر رومی به نام کرنیلیوس رفت که برای شنیدن حقایق الهی خیلی تشنه بود. بعداً در مورد این ملاقات به دوستان خود در اورشلیم چنین گفت «و روح مرا گفت که با ایشان بدون شك برو» (اعمال ۱۱: ۱۲).

دلایل و نمونه‌های بسیار زیادی وجود دارد. روح خدا با این ایمانداران مستقیماً ارتباط داشت. بعضی از معلمین کتاب مقدس عقیده دارند که روح خدا با صدای بلند سخن می‌گفت ولی احتمالاً در آنها فکری بوجود می‌آورد. اینگونه هدایت را نباید به دوران عهد جدید محدود کرد. امروز هم این امر عملی است.

حکایت می‌کنند که یکی از روحانیون آمریکا هدایت شد که به یک اردوگاه برود که در آنجا هیچکس نبود. بقدری در مورد هدایت الهی اطمینان داشت که به سالن غذاخوری خالی رفت و مشغول موعظه انجیل شد. سالها بعد در لندن شخصی نزد او آمد و از این واقعه با او سخن گفت. معلوم شد که او آشپز اردوگاه و یگانه شخصی بود که در آن موقع در آنجا بود. او در پشت



یکی از پنجره‌ها پنهان شده بود و موعظه را گوش می‌داد. و در نتیجه عیسی را بعنوان نجات‌دهنده شخصی خود پذیرفته و مشغول خدمت خداوند شده بود. دربارهٔ يك خادم مسیحی در آمریکای جنوبی حکایت می‌کنند که يك روز قویاً هدایت شد که به جنگل برود. شامگاهان بعد از طی مسافت طولانی به کلبه‌ای رسید و يك پیرمرد سرخ‌پوست را در بستر مرگ یافت. پیرمرد از او پرسید «کتاب کجاست؟» و شرح داد که شب قبل از خدا کمک خواسته و در خواب دیده است که شخصی کتابی می‌آورد. در خواب به او گفته شد که باید به پیام کتاب ایمان بیاورد تا نجات یابد. بدیهی است که وقتی خادم مسیح کتاب مقدس خود را باز کرد و پیام نجات را به او رسانید، این پیرمرد به مسیح ایمان آورد. بدون شك خدا خادم خود را به این کلبه هدایت فرموده بود. از این نوع وقایع بسیار زیاد است. روح خدا می‌تواند ارادهٔ خود را در فکرهای ما قرار دهد.

### صداهای دیگر

ولی مشکل اصلی اینست که علاوه بر افکاری که از طرف روح القدس است، از جاهای دیگر هم افکاری در ما بوجود می‌آید. مثلاً ممکن است بعضی از افکار ما از تمایلات شخصی و خودخواهانه ما سرچشمه گرفته باشد. من به یاد دارم که مادری احساس هدایت شدید کرد که در خارج از خانه کار کند. چنین هدایتی ممکن است از طرف خدا باشد ولی ممکن است علت آن تمایلات خودخواهانه برای فرار از مسئولیت خانه و سرگرم شدن در خارج از خانه نیز باشد. این خانم کوشش نکرد که منبع این هدایت را پیدا کند بلکه به جستجوی کار رفت. این عمل او لطمهٔ شدیدی به زندگی خانوادگی او وارد ساخت. وقتی دربارهٔ این نتایج زیانبار فکر می‌کرد همیشه می‌گفت «ولی من احساس هدایت را داشتم» و بدین طریق می‌خواست، در مورد قضاوت غلطی که کرده بود، بی‌تقصیر جلوه نماید. ولی خدا این بهانه‌ها را نمی‌پذیرد. نباید تمام فکرها را از خدا بدانیم.

به یاد دارم که شخص جوانی که دارای خانواده‌ای نسبتاً بزرگ بود احساس هدایت کرد که از کار خود استعفا بدهد و بطور تمام‌وقت مشغول خدمت خداوند باشد. برای خدمت مسیحی هیچ تعلیمی ندیده بود و برای این

کار استعداد نداشت و هیچکس هم خدمتی به او ارجاع نکرده بود. وقتی از او سؤالاتی کردم معلوم شد که علت تصمیم او این نبود که از طرف خدا دعوت داشت بلکه این بود که می‌خواست خود را از شرائط مشکل کار خود خلاص کند.

نه فقط تمایلات شخصی و خودخواهانه ما برای فرار از مسئولیت در احساس هدایت ما تأثیر می‌نماید بلکه عوامل ساده دیگری مانند میزان خواب، وضع سلامتی جسمی، میزان اعتماد به نفس، تجربه‌های گذشته، ترسهای پنهانی، وضع عاطفی و نظایر آن در احساس هدایت ما مؤثر هستند. معهداً منحرف‌کننده‌تر از تمام موارد فوق‌الذکر، تمایلات نفسانی و شهوانی ما است. ما به آسانی نزد خودمان استدلالاتی می‌کنیم تا تمایلات جسمانی خود را موجه جلوه دهیم. یکی از همکاران من نقل می‌کرد که يك پسر و دختر جوان احساس هدایت کردند که قبل از ازدواج با یکدیگر رابطه جنسی داشته باشند زیرا یکدیگر را خیلی دوست داشتند. آنها می‌گفتند که بر روی زانوهای خود دعا کرده و از خدا اطمینان یافته بودند که این عمل صحیح است. این کاملاً خودفریبی است.

احساس هدایت ممکن است به علت نفوذ سایرین باشد مانند دوستان صمیمی که به آنها اعتماد کامل داریم، شخصیت‌های نیرومندی که خیال می‌کنیم هرگز اشتباه نمی‌کنند و یا عقیدهٔ اکثریت مردم. ممکن است تحت تأثیر عقاید مسیحیانی که در اطراف ما وجود دارند قرار بگیریم و ممکن است عقیدهٔ آنها صحیح یا غلط باشد. یا ممکن است تحت تأثیر عقاید دنیوی از طریق وسائل ارتباط جمعی یا دوستان دنیوی که با آنها تماس داریم قرار بگیریم.

ولی مهمتر از همهٔ اینها تأثیر فریبکار بزرگ است. آیا می‌دانستید که شیطان می‌تواند در فکر ایمانداران تأثیر نماید؟ این موضوع ممکن است ما را بترساند ولی حقیقت دارد. شیطان می‌تواند خود را بصورت فرشتهٔ نور درآورد (دوم قرنتیان ۱۱:۱۴) و به این طریق این تصور را در ما ایجاد کند که می‌خواهد ما را در راه صحیح هدایت نماید. در واقع او فرمانروای ظلمت می‌باشد و مایل است با حیل‌های شیطانی از ما سوء استفاده کند (دوم قرنتیان ۱۱:۲).

شیطان با حيله‌های خود یکی از ایمانداران به نام حنانيا را فریب داد و او را متقاعد ساخت که اشکالی ندارد اگر قسمتی از اموال خود را نگاهدارد و قسمتی از آن را برای کار خداوند بدهد و در عین حال وانمود کند که همه را داده است. پطرس رسول دست خود را بر روی گناه او گذاشت و اعلام داشت «ای حنانيا، چرا شیطان دل تو را پر ساخته است تا روح القدس را فریب دهی و مقداری از قیمت زمین را نگاهداری؟» (اعمال ۵:۳). سرچشمه و منبع این عقیده احمقانه در حنانيا عبارت بود از بزرگترین دشمن قوم خدا و بزرگترین فریبکار یعنی شیطان (یوحنا ۸:۴۴).

عقاید شیطانی ممکن است خیلی جالب بنظر برسد. مثلاً دختری سعی می‌کرد مرا متقاعد سازد که ازدواج او با يك مرد بی‌ایمان هدایت و اراده خداست. او با کلماتی بسیار فریبنده و با آب و تاب زیاد شرح می‌داد که تحت چه شرایط حیرت‌انگیزی یکدیگر را ملاقات کرده‌اند که حتماً از طرف خدا بوده است. ولی باید بدانیم که شیطان برای صحیح نشان دادن حيله‌های خود حتی معجزاتی انجام می‌دهد (دوم تسالونیکیان ۲:۹). افکار شیطانی گاهی بسیار شدید و وسوسه‌انگیز است. ولی نکته مهم اینست که شدید بودن يك فکر نمی‌تواند دلیل صحیح بودن آن باشد. مشکل است اعتراف کنیم که افکار ما از خدا نیست زیرا می‌خواهیم به خودمان بقبولانیم که خدا برای ما کارهای مخصوصی انجام می‌دهد. ما مایلیم برای دوستان خود تعریف کنیم که هدایتهای مهمی از خدا داشته‌ایم. ضمناً غرور ما باعث می‌گردد که در مقابل پیشنهادهای شیطان نقطه ضعف داشته باشیم.

با توجه به اینکه منابع متعددی برای هدایتهای غلط وجود دارد، روشن است که نمی‌توانیم به هر فکری که برای ما پیش می‌آید اعتماد داشته باشیم. یکی از خطرناکترین روشها، که بعضی از آن پیروی می‌نمایند، اینست که ذهن خود را از تمام افکار خالی کنیم و سپس هرچه را که به ذهن ما خطوط می‌نماید هدایت الهی بدانیم. وقتی ذهن خالی باشد، شیطان به آسانی پیشنهادات خود را در آن جا می‌دهد. برای شیطان چیزی بهتر از این وجود ندارد که ما بدون ارزیابی و محك زدن تصور کنیم که افکاری که به ذهن ما خطوط کرده‌اند از طرف خدا هستند. یوحنا رسول ما را نصیحت می‌کند که روحها را امتحان کنیم و بدانیم از خدا هستند یا نه (اول یوحنا ۴:۱). پولس

رسول می‌فرماید که همه چیز را تحقیق کنیم و به آنچه نیکوست متمسک باشیم (اول تسالونیکیان ۵:۲۱). ولی چطور می‌توانیم این کار را انجام دهیم؟

### محك اصلی آزمایش

چند راه برای آزمایش این احساس‌های هدایت درونی وجود دارد که آنها را به ترتیب مورد بررسی قرار خواهیم داد. ولی باید بدانیم که مهمترین محك آزمایش همانا کلام خداست. اشعیاء درباره احتیاط در مورد صداهای مختلف به قوم هشدار می‌دهد: «اگر موافق این کلام سخن نگویند پس برای ایشان روشنایی نخواهد بود» (اشعیاء ۸:۲۰). هر فکری که از طرف خدا باشد با کلام او مطابقت خواهد داشت. هیچیک از هدایتهای الهی مخالف کلام او نخواهد بود. خدا نمی‌تواند با خودش تناقض داشته باشد.

با توجه به مراتب فوق باید تمایلات خود را با کلام خدا بسنجیم زیرا کلام خدا اراده خدا را مستقیماً منعکس می‌نماید و اوامر و نواهی و اصول کلی الهی را روشن می‌سازد. روح خدا برای هدایت و رهبری ما از کلام خدا استفاده می‌نماید و ما کلام خدا را هرچه بهتر بدانیم بهتر خواهیم توانست سرچشمه افکار خود را تشخیص دهیم. روبرو شدن با کلام خدا نه فقط ما را قادر می‌سازد که صدای شبان واقعی را از سایر صداها تشخیص بدهیم بلکه خواهیم توانست بعضی از محرکهای خودخواهانه را که بسیاری از افکار ما را بوجود می‌آورند بشناسیم. نویسنده رساله عبرانیان کلام خدا را «ممیز افکار و نیت‌های قلب» می‌خواند (عبرانیان ۴:۱۲).

اگر مادر جوانی که قبلاً به او اشاره کردیم مسئولیت‌های خود در مورد اطفال کوچکش را از روی کلام خدا بررسی می‌کرد و اجازه می‌داد که کلام خدا محرکهای او را روشن سازد، احتمالاً در آن موقع به کار خارج از خانه اشتغال نمی‌ورزید. اگر آن ایمانداري که از کار خود استعفا داد به مسئولیتی که طبق کلام خدا در مورد خانواده خود داشت توجه می‌کرد در آن موقع کار خود را ترك نمی‌نمود و وارد خدمات مسیحی نمی‌شد. اگر پسر و دختری که قبل از ازدواج رابطه جنسی داشتند به اصول کلام خدا توجه می‌کردند، از عقاید احمقانه خود پیروی نمی‌نمودند. اگر دختری که می‌خواست با يك مرد بی‌ایمان ازدواج کند به کلام خدا گوش می‌داد، می‌فهمید که خدا با این نوع

ازدواجها موافق نیست.

ولی با وجود در نظر گرفتن تمام مطالبی که کلام خدا دربارهٔ يك موضوع اعلام می‌دارد، باز هم ممکن است نتوانیم تصمیم بگیریم چه کاری انجام دهیم. در اینصورت چه باید بکنیم؟ راهی که وجود دارد این است؛ روح خدا از طریق استفاده از کلام خدا ما را هدایت کند یعنی در ما افکاری وجود آورد. مقصود جملاتی نیست که در موقع مطالعه کلام خدا بطور بارزی جلوه می‌نمایند و برای ما روشن می‌سازند که چه باید بکنیم زیرا گاهی این امر اتفاق می‌افتد ولی غالباً استثناء است. مقصود اصلی من افکاری است که در موقعی که کلام خدا را با قلب باز و با آمادگی برای درک ارادهٔ او مطالعه می‌نمایم، خدا در ما قرار می‌دهد. قسمتی که از کلام خدا مطالعه می‌کنیم بطور روشن میل و ارادهٔ او را نشان می‌دهد و با تصمیمی که می‌خواهیم اتخاذ نماییم مربوط می‌گردد.

وقتی در مورد کار شبانی جدیدی که به من پیشنهاد شده بود می‌اندیشیدم، چند موضوع فکر مرا به خود مشغول می‌کرد که از آن جمله بود برکات الهی در کلیسایی که در آن موقع شبان آن بودم، وضع آیندهٔ کلیسا بعد از استعفای احتمالی من، ترس از عدم موفقیت در کار جدید، محدود بودن استعدادها من برای کار جدید و بعضی از مشکلات احتمالی در کار جدید. ولی هنگامیکه وقت کافی در حضور خدا صرف کردم و به مطالعه کتاب اشعیاء نبی پرداختم، خدا در من افکار جدیدی بوجود آورد که نمی‌توانستم در مورد آنها بی‌توجه باشم و مضمون آنها در این آیات به بهترین نحو خلاصه شده بود «چیزهای اولین را به یاد نیاورید و در امور قدیم تفکر ننمائید. اینک من چیز نوی بوجود می‌آورم و آن الان به ظهور می‌آید. آیا آن را نخواهید دانست؟ بدرستیکه راهی در بیابان و نهرها در هامون قرار خواهم داد» (اشعیاء ۴۳: ۱۸ و ۱۹). هرچند اصولاً با قبول کار جدید مخالف بودم ولی با توجه به کلام خدا آنرا پذیرفتم. خدا مرا به خدمتی رهبری فرمود که از مفیدترین و پرثمرترین کارهای زندگیم بود.

ممکن است خدا بار دیگر مرا از طریق فوق‌الذکر هدایت نفرماید و یا برای هدایت شما از این طریق استفاده نکند ولی اگر ما صمیمانه و با فداکاری کامل در جستجوی ارادهٔ خدا در زندگی خود باشیم، و اگر کلام او

را برای فهمیدن منظور الهی، نه برای پیروی از افکار خود، بخوانیم در این صورت می‌توانیم انتظار داشته باشیم که خدا از طریق کلام خود با ما سخن بگوید. خدا وعده فرموده است که کلام او برای راههای ما نور خواهد بود.

\* \* \* \*